

Islamic Jurisprudence Strategy on *Taqīyya* (Dissimulation) in Islamic International Relations

Ali Reza Moradi¹, Ali Akbar Izadi Fard^{2*}
Mehdi Mohammadian Amiri³

1- Ph.D. student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2-Visiting Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran and Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran

3- Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Received Date: 2023/07/11

Accepted Date: 2023/10/22

Abstract

Today, Islamic jurists are obliged to have a proper communication with the international system through using *taqīyyah* (dissimulation) in the light of preserving the glory of Islam. Using the descriptive-analytical method with the aim of explaining the strategy of Islamic jurisprudence regarding dissimulation in international relations and meeting the need for preserving the interests of the Islamic system in order to secure citizenship rights and consolidate the state's position, this research presents a conceptual framework of the word "dissimulation", explains the legitimacy of using dissimulation in Imamī jurisprudence, the comparison of dissimulation with similar concepts such as hypocrisy (*nifāq*), flattery (*mudāhāna*) and concealment (*tawrīya*), as well as, how to use it in international relations, regarding the moral and legal dimensions. As a result, the use of dissimulation in the international system is evident in cases such as maintaining the Islamic government, maintaining state's secrets, promoting foreign policy, and proximity between Islamic denominations. However, it seems that the attitude of some domestic and western jurists towards the concept of dissimulation is somehow different from its main concept in Imamī jurisprudence. The lack of semantic similarity or the confusion of dissimulation with concepts such as *mudāhāna* (compromise) and *tawrīya* with the intellectual background of creating Islamophobia, has distorted its use. Therefore, the failure to meet the criteria of dissimulation in the international system makes it necessary to provide a correct conceptual framework for it and how it affects peace-orientation by changing the attitude towards understanding Islamic teachings. Thus, we believe that the correct application of dissimulation in the international system provides the capacity of positive communication between the Islamic system and the international systems.

Keywords: dissimulation, proximity of Islamic denominations, preservation of Islamic state, keeping secrets, international relations.

راهبرد فقه اسلامی پیرامون تقیه در روابط بین‌الملل اسلامی

علیرضا مرادی^۱، علی اکبر ایزدی فرد^{۲*}، مهدی
محمدیان امیری^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲- استاد مدعو گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران و استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

چکیده

امروزه حقوق‌دانان اسلامی مؤظفند با استفاده از «تقیه» ارتباط شایسته‌ای با نظام بین‌الملل در پرتو حفظ عزت اسلام داشته باشند. پژوهش حاضر با هدف تبیین راهبرد فقه اسلامی پیرامون «تقیه» در روابط بین‌الملل و پاسخگویی به ضرورت حفظ منافع نظام اسلامی در جهت تأمین حقوق شهروندی و تحکیم جایگاه دولت، با روش توصیفی-تحلیلی قصد دارد به ارائه چارچوبی مفهومی از واژه «تقیه»، مشروعیت به کارگیری «تقیه» در فقه امامیه، تطبیق «تقیه» با مفاهیم مشابه همچون نفاق، مدهانه و توریه، و افزون بر این، نحوه استفاده از «تقیه» در روابط بین‌الملل با رعایت ابعاد اخلاقی و حقوقی را تشریح نماید. نتیجه این‌که، کاربرد «تقیه» در نظام بین‌الملل در مصادیقی از جمله حفظ حکومت اسلامی، حفظ اسرار کشوری، ارتقای سیاست خارجی و تقریب مذاهب اسلامی مشهود است؛ اما به نظر می‌رسد نگرش برخی حقوق‌دانان داخلی و غربی به مفهوم «تقیه» تا حدودی با مفهوم اصلی آن در فقه امامیه متفاوت است. بنابراین، عدم همپوشانی معنایی یا اشتباه «تقیه» با مفاهیمی مانند مدهانه (سازشکاری) و توریه با پیشینه فکری ایجاد اسلام‌هراسی، کاربرد استفاده از آن را مخدوش نموده است. فلذا، با عدم احراز ضوابط و معیار «تقیه» در نظام بین‌الملل، ارائه چارچوب مفهومی صحیح برای «تقیه» و نحوه تأثیرگذاری آن بر صلح‌مداری با تغییر نگرش نسبت به فهم آموزه‌های اسلامی ضروری می‌باشد. از این‌رو، معتقدیم که کاربرد صحیح «تقیه» در نظام بین‌المللی، باعث ایجاد ظرفیت ارتباط مثبت نظام اسلامی با نظام‌های بین‌المللی می‌شود.

واژگان کلیدی: تقیه، تقریب مذاهب اسلامی، حفظ حکومت اسلامی، حفظ اسرار، روابط بین‌الملل.

۱. مقدمه

تقیه در موضوعات مختلف جریان دارد که گاهی برای دفع ضررها و گاهی هم برای جلب مصالح تشریح شده است. تقیه یک مفهوم دینی است که در قانون اسلامی به کار می‌رود و به معنای پنهان کردن اعتقادات و باورهای خود در مواجهه با خطر و تهدیدات است. در حقوق بین‌الملل، عمل تقیه به معنای پنهان کردن یا انکار حقایق یا اعتقادات در مواجهه با شرایط خاص است. این عمل به منظور حفظ جان، اموال یا منافع شخصی انجام می‌شود و ممکن است در مواجهه با تهدیدات سیاسی، اجتماعی یا حقوقی به کار گرفته شود.

پژوهش کنونی تحقیقی است با موضوع راهبرد فقه اسلامی پیرامون تقیه در روابط بین‌الملل اسلامی و قصد دارد تا به آثار و کاربردپذیری تقیه در روابط بین‌الملل بپردازد. به عبارتی برای تقویت جهان اسلام و کمک به مقاومت اسلامی لازم است در مواردی با دشمنان مدارا نمود و با این کار موقعیت امت اسلامی را از لطمه و تهدید نجات داد. از سوی دیگر، با توجه به این‌که استفاده از تقیه در حقوق بین‌الملل باید با رعایت قوانین و اصول حقوق بشر و با رعایت محدودیت‌ها و شرایط مناسب صورت گیرد تا از سوءاستفاده و نقض حقوق دیگران جلوگیری شود؛ لذا برای جلوگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصویری و گویایی حقیقت در مسأله، نیازمند تحقیقاتی هستیم که با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی، خلاء موجود برطرف شود.

سیر مطالب نوشتار پیش‌رو این‌گونه است که در ابتدا به تعریف ارائه چارچوب مفهومی از واژه تقیه پرداخته و ضمن تشریح اشتراک معنایی «تقیه» در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، سعی داریم تا نقدهای وارد بر موضوع در ارتباط با تعارض در آثار را مطرح و حتی‌المقدور پاسخ دهیم. علاوه بر این، ابعاد حقوقی، اخلاقی و خط‌مشی تحقق‌گرایی فایده‌انگارانه تقیه در روابط بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

لذا تحقیق پیش‌رو، که با روش توصیفی - تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است در تلاش است تا با تحلیل منابع موجود و امعان‌نظر از فقها و حقوق‌دانان داخلی و

غربی، موضوع را تبیین نماید. ابزارگردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی می‌باشد.

۲. ارائه چارچوب مفهومی از واژه تقیه

مناسبات مفهومی واژه «تقیه» از پیچیده‌ترین مفاهیم در فقه و حقوق اسلامی به‌شمار می‌آید؛ لذا ارائه چارچوب مفهومی از واژه «تقیه» برای بررسی اهداف غایی پژوهش در فقه اسلامی و کنش‌های تأثیرگذار در روابط بین‌الملل در پرتو فقه اسلامی و تبیین آرای قابل تامل در این زمینه امری ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین در ابتدا قصد داریم به خوانشی از ماهیت و چیستی «تقیه» برای تشخیص معیار و شاخصه عملی آن پردازیم.

۲-۱. تبیین معنا شناسی تقیه

احاله به ادبیات حاضر، ما را با تعاریف بسیاری در لغت عام و خاص مواجه می‌سازد که هر یک از این تعاریف، بر جهتی از «تقیه» تأکید افزون‌تری دارد و تعریف «تقیه» در فقه اسلامی را توصیف می‌کنند.

۲-۱-۱. لغت شناسی تقیه

تقیه از منظر لغت‌شناسان به معنای تحفظ و جلوگیری (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲۳۸/۵)، حفظ کردن (فیومی، بی‌تا، ۹۲۲/۲)، پوشاندن و مصون کردن (ابن اثیر، بی‌تا، ۲۱۷/۵) و حفظ (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۲۳۶/۵) است. افزون بر این، تقیه در لغت خاص فقها به معنای نگاه داشتن، پرهیز کردن و پنهان نمودن تعریف شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ۵۸۴/۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۱۷۳۱/۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ۸۲۰/۸). مضاف بر این، از تقیه به معنای پنهان کردن حق یاد می‌شود (سعدی ابوالجیب، ۱۴۰۸ق، ۳۸۶).

۲-۱-۲. اصطلاح شناسی تقیه

موضوع شناسی اصطلاحی واژگان، مقدماتی‌ترین گام در جهت کشف مراد واضح و استنباط حکم و تعیین آثار است. بنابراین، در تبیین معنای اصطلاحی تقیه از منظر فقه اسلامی در کتاب اصطلاحات الفقهیه در باب تعریف اصطلاحی تقیه آمده است: «کتمان المبدأ و العقیده خشیه علی النفس و العرض من الضرر»، «پنهان کردن عقیده اولیه برای حفظ جان و آبرو از ضرر» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۴۸). علاوه بر این، تقیه عبارت است از: ابراز عقیده یا انجام دادن کاری بر خلاف نظر و اعتقاد قلبی (هاشمی شاهرودی،

۱۳۸۲ ش، ۵۸۴/۲؛ بجنوردی، ۱۳۷۷ ش، ۴۹/۵). در تعریف دیگر آمده است: «تقیه حفظ نفس از ضرر و زیان غیر به وسیله موافقت قولی و عملی با او، هرچند این موافقت برخلاف حق باشد» (انصاری، ۱۴۱۲ ق، ۲۳۰). باید اظهار نمود در میان فقها در معنای اصطلاحی تقیه اختلاف نظری مشاهده نمی‌گردد (مازندرانی، ۱۴۲۵ ق، ۷۶/۲).

۲-۲. تبیین انواع شیوه‌های تقیه با تأکید بر آموزه‌های فقه امامیه

فقها، تقیه را به اقسام مختلف تقسیم کرده‌اند؛ از جمله امام خمینی^(ره) در آغاز بحث تقیه می‌گوید: «چون تقیه از عناوینی است که در ارتباط با متقی (تقیه‌کننده) و متقی‌منه (شخص و یا اشخاصی که از آن‌ها تقیه شده) و متقی‌فیه (امری که از آن تقیه شده است) می‌باشد، به حسب این امور و ذات آن، به اقسامی تقسیم می‌شود:

۲-۲-۱. معیار معنایی تقیه به لحاظ ذات

به لحاظ ذات، تقیه به «خوفی»، «مداراتی»، «کتمانی» و «اکراهی» تقسیم می‌شود. تقیه خوفی: این نمونه معروف تقیه است که گاهی به سبب ورود ضرر به جان یا آبرو و یا مال متقی و وابستگان اوست و گاهی به سبب احتمال وقوع ضرر بر افراد دیگر از مؤمنان است و گاهی هم به سبب احتمال وقوع ضرر بر کیان اسلام است؛ مثلاً ترس از اختلاف و تفرقه مسلمان‌ها، سبب تقیه می‌شود. تقیه مداراتی عبارت است از جلب دوستی مخالف، به سبب وحدت کلمه، بی‌آنکه ضرری از سوی او، شخص را تهدید کند. تقیه کتمانی: تقیه‌ای است که به خودی خود دارای ارزش است و در برابر افشای سرّ قرار دارد. کقوله^(ع): «یا سلیمان إنکم علی دین، من کتمه أعزه الله، و من أذاعه أذله الله» (کلینی، ۱۳۴۲ ش، ۱۱۹/۹). تقیه اکراهی: خداوند زمینه تقیه اکراهی که در آن اکراه از مصادیق اصلی است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ ق، ۴۳) می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ (نحل/۱۰۶) که در این مورد در مکاسب محرّمه آمده، عبارت از تقیه‌ای است که ضرورت و اضطرار، سبب آن می‌شود (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ۱۴۶/۵۲).

۲-۲-۲. معیار معنایی تقیه به لحاظ متقی

تقیه به لحاظ فرد تقیه‌کننده، دو گونه تقسیم می‌شود: گاهی تقیه‌کننده، فردی عادی است و گاهی از افراد سرشناس است؛ مانند پیامبر (اگر تقیه برای او روا باشد) و ائمه^(ع) و فقها و مانند آنها، حکم تقیه در هریک از این دو مورد، تفاوت دارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ ق، ۴۳).

۲-۲-۳. معیار معنایی تقیه به لحاظ متقی‌منه

جواز تقیه به افراد خاصی منحصر نبوده، شامل تقیه از غیر مسلمانان (کفار) و تقیه از مسلمانان ستمگر (حکام، قضات)، صرف نظر از نوع مذهبشان می‌شود (جمعی از مؤلفان، بی تا، ۱۴۶/۵۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ش، ۵۸۸/۲).

۲-۲-۴. معیار معنایی تقیه به لحاظ متقی‌فیه

تقسیم تقیه به لحاظ فعلی که تقیه در آن انجام می‌گیرد، بدین صورت است: «فعل حرام، ترک واجب، ترک شرط، ترک جزء، انجام فعلی که مانع و یا قاطع است و یا عملی که طرف مخالف، عقیده به حجیت آن دارد» (جمعی از مؤلفان، بی تا، ۱۴۶/۵۲).

۲-۳. تبیین احکام تقیه با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

تقیه از احکام ثانویه است. موضوع تقیه در موارد مختلف پذیرای احکام متفاوت پنج‌گانه می‌باشد؛ بدین معنا که تقیه در مواردی ترک یا انجام کاری را مباح، واجب و یا مستحب، و در مواردی دیگر مکروه یا حرام می‌گرداند. باید توجه نمود که آنچه از قرآن مجید و اخبار و حالات معصومین (علیهم‌السلام) روشن می‌شود آن می‌باشد که: شخص در مقابل ستمکاران و مظالم اجتماعی میان قیام و تقیه مخیر است. یا قیام و مبارزه می‌کند تا موفق شود و یا در آن راه شهید گردد مثل حضرت سید الشهداء (سلام الله علیه) و یا تقیه کرده و خود را به کشته شدن نمی‌دهد بلکه مبارزه منفی می‌کند مثل امام صادق و دیگر ائمه (علیهم‌السلام) (قرشی، ۱۴۱۲ ق، ۲۳۸/۷).

۳. واکاوی منابع ارزشمندی و اهمیت تقیه در فقه امامیه

تقیه مستند به همه‌ی ادله‌ای است که در اثبات هر حکم دینی کارایی و کاربرد دارد؛ بدین‌رو، در این قسمت از پژوهش آیات دال بر تقیه و شماری از روایاتی که تقیه را توصیه و تشریح یا تعریف می‌کنند، بازگو می‌شود.

۳-۱. آیات مؤید فضیلت‌گرایی تقیه

الف) لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرِكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (آل عمران/ ۲۸). به عبارتی برای تقویت جهان اسلام و کمک به مقاومت اسلامی لازم است در مواردی با دشمنان مدارا نمود و با این کار موقعیت امت

اسلامی را از لطمه و تهدید نجات داد. بنابراین، در این آیه، استثنایی به حکم کلی عدم همراهی با کفار شده و آن این که در مورد تقیه منعی ندارد که مسلمانان با افراد بی‌ایمان به خاطر حفظ جان خود و مانند آن ابراز دوستی کنند و سپس در آخر آیه بار دیگر با دو جمله «یحذرکم الله نفسه» و «الی الله المصیر» حکم فوق را تأکید می‌کند و مسلمانان را از نفاق پرهیز می‌دهد (شیرازی، ۱۴۰۰ق، ۳۷۳/۲).

ب) و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبواالله عدواً بغير علم (انعام/۱۰۸). این دستور قرآن نیز به نوعی از تقیه امر کرده است هر چند که بت‌ها و سایر شریکانی که برای خداوند می‌آورند در جای خود مستحق دشنام باشند، لکن مسلمانان باید به خاطر مصلحت فوق‌الذکر از دشنام آن‌ها پرهیز کنند. فضیلت‌گرایی تقیه در این آیه این است که احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنیم و از هرگونه بددهنی و ناسزا پرهیز نماییم. افزون بر این، هر کاری که سبب توهین به مقدسات شود، حرام است (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۵۲۸/۲).

بنابراین، علاوه بر آیات فوق، خود قرآن هم انسان را از مشقت به خاطر دین منع می‌کند و در موارد اضطراری با مجاز شمردن انکار ایمان (نحل/۱۰۸)، دوستی با کافران (آل عمران/۲۷) و خوردن غذاهای حرام (انعام/۱۱۹؛ مائده/۵)، مصادیقی از تقیه را مشخص می‌نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ش، ۲۵/۲۳).

۳-۳. روایات مؤید فضیلت‌گرایی تقیه

روایات متعددی در کتب روایی مذهب امامیه وجود دارد که بر فضیلت‌گرایی تقیه تأکید می‌ورزند که می‌توان الف) التقیه ترس المؤمن و التقیه حرز المؤمن (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۵/۸). ب) التقیه من افضل اعمال المؤمن یصون بها نفسه واخوانه من الفاجرین (روحانی، ۱۴۳۵ق، ۲۸۴/۱۷). ج) التقیه فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم فقد احل الله له (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۶۹۱/۵). د) ان التقیه یصلح الله بها امه، لصاحبها مثل ثواب اعمالهم، و ان ترکها ربها اهلک امه و تارکها شریک من اهلکهم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۱۴/۷۲) را از جمله مؤیدهای موضوعی محسوب نمود.

۴. کنکاشی در نسبت‌سنجی تقیه با مفاهیم مشابه

در این قسمت از پژوهش قصد داریم تا به دلیل خلط مبحث تقیه با موارد مشابه از جمله نفاق، مداهنه، توریه و... و تفسیر ناصواب از آن در ابعاد فقهی، حقوقی و بین‌المللی به توضیحاتی در این زمینه بپردازیم.

۴-۱. تبیینی به نسبت‌سنجی تقیه با نفاق

نفاق در اصطلاح علما عبارت است از: «ابطان الکفر و اظهار الایمان» (سیحانی تبریزی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۶؛ مجلسی، ۱۳۶۳ش، ۷/۱۳۰). یعنی مخفی کردن کفر که باطل است و آشکار کردن ایمان که حق است. ولی تقیه عبارت است از مخفی کردن حق و آشکار کردن خلاف آن براساس مصلحتی که ناشی از همان حق است (جمعی از مولفان، بی‌تا، ۱۷۳/۵۲). بنابراین، در تقیه برخلاف نفاق - که موضوع آن پنهان کردن شرک و باطل و تظاهر به حق است - مؤمن به دلیل بیم از رسیدن ضرر به او از اظهار حقیقت خودداری می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ۲/۵۸۴). بنابراین در مورد نفاق، امر باطل به سبب مصالح شخصی و نفسانی مخفی می‌شود ولی در مورد تقیه چیزی که مخفی می‌شود مطلب حقی است و مصلحت اخفاء نیز شخصی نیست (جمعی از مولفان، بی‌تا، ۱۷۳/۵۲)؛ لذا نفاق ضد تقیه است (شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۲۶).

۴-۲. تبیینی به نسبت‌سنجی تقیه با سازش‌کاری یا مداهنه

سازش و مدارا کردن با دشمنان و مخالفان به جهت رهایی از خطری یا بیم از دست دادن منافع. از سازش‌کاری به «مداهنه» تعبیر می‌شود. تفاوت مداهنه با مدارا آن است که مدارا به‌نرمی و مهربانی رفتار کردن با رویکرد رعایت ناتوانی و کم‌ظرفیتی طرف است. بنابراین، منشأ آن ضعف قابلیت، تحمل و خرد مدارا شونده است؛ از این‌رو، مدارا برآیند عقل است که فرد خردمند آن‌را به‌کار می‌بندد؛ در حالی‌که خاستگاه سازش‌کاری جلب منافع دنیوی یا بیم به‌خطر افتادن موقعیت اجتماعی سازش‌کار می‌باشد. با این بیان، تفاوت سازش‌کاری با تقیه نیز آشکار می‌شود؛ زیرا تقیه یعنی پنهان کردن اعتقادات خود و ابراز همسویی با دشمن با هدف دفع زیان و شرّ او، نه جلب منافع دنیوی یا ترس از دست‌دادن موقعیت می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ۴/۳۴۹). براین اساس، مداهنه نوعی معصیت و تقیه غیرمعصیت است و در برخی کتب از خصلت‌های ناپسند به‌شمار می‌آید (منتظری، ۱۳۶۷ش، ۲/۹۱). امیر مؤمنان^(ع) فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که فحشا، کارهای ناپسند و سازش‌کاری در آن ارزش است (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ۲۳/۴۴۵). علاوه براین، مداهنه تعظیم غیر مستحق است؛ اما تقیه رفتار برای دوری از غدر دشمن می‌باشد (مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ۲/۸۴).

۳-۴. تبیینی به نسبت سنجی تقیه با توریه

توریه عبارتست از آنکه انسان در مقام پنهان کردن نپنهان کاری، پوشاندن مقصود، افشا نکردن راز، است (نژادهاشمی، ۱۳۹۸، ش، ۲۹). به این معنا که در واقع از شنونده یا مخاطب، کلامی بگوید که مراد وی از آن، معنایی غیر از مفهوم ظاهری آن کلام باشد. حسن و رأیی است نیکو منتهی احتیاط در خلاف آن می‌باشد (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۹، ش، ۳/۹۱۵). بنابراین، توریه سخنی دو پهلو است که عبارت تاب هر دو معنی را دارد. افرادی که مقید به پرهیز از دروغ هستند گاه به آن متوسل می‌شوند، هم دروغ نگفته باشند و هم مصلحت امور مهم را رعایت کرده باشند. البته دروغ مصلحتی با توریه تفاوت‌های زیادی دارد (بخشی، ۱۳۹۴، ش، ۱۵۷). در جواز توریه به‌طور مطلق یا تنها در صورت ضرورت، اختلاف است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ش، ۲/۶۶۲). هرچند برخی تقیه را زمینه‌ساز توریه می‌دانند؛ اما تقیه بیان سخنی خلاف حق است برای حفظ جان، آبرو و توریه کلامی است که معنایی غیر از مفهوم ظاهری را می‌رساند. افزون بر این، گوینده از لفظ معنایی مطابق با واقع را اراده کند، ولی مقصود او از القای آن این باشد که مخاطب، خلاف آن را فهم نماید (انصاری، ۱۴۱۹، ق، ۲/۱۷؛ مفید، ۱۴۱۰، ق، ۵۵۷)؛ بنابراین، تقیه سخنی مخالف با واقع ولی خلاف حق است؛ لذا این دو نهاد با وجود اشتراکات معنایی، در برخی موارد با یکدیگر متمایزند.

۵. خط مشی تحقق‌گرایی فایده‌انگارانه تقیه در روابط بین‌الملل

در این قسمت از پژوهش در تلاش هستیم تا سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگارانه تقیه در حفظ حکومت اسلامی و توسعه اندیشه اسلامی به‌عنوان یکی از خط‌مشی‌های تحقق‌گرایی فایده‌انگارانه تقیه در روابط بین‌الملل را تبیین و تشریح نماییم.

۱-۵. سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگارانه تقیه در حفظ حکومت اسلامی

حفظ حکومت اسلامی از اهم واجبات بوده و فقها اعم از امامیه و اهل سنت بر آن تأکید دارند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵، ق، ۳/۲۲؛ موسوی خلیلی، ۱۴۲۵، ق، ۶۴۹). بعضی از منتقدین این‌گونه بیان می‌نمایند تقیه باعث برهم خوردن نظم عمومی و اختلال می‌گردد؛ لذا اگر شخصی برای حفظ نظام اسلامی لازم به انجام تقیه باشد، براساس این نظریه بین حفظ نظام اسلامی و برهم خوردن نظم عمومی تراحم به‌وجود می‌آید (اسدی حلی، ۱۴۱۰، ق، ۸). این موضوع به دلالت اقتضاء ثابت خواهد شد؛ لذا باید اظهار داشت حفظ نظام اسلام بر حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی مقدم است و تکلیف شرعی آن است که

اسلام محفوظ باقی بماند و لو در این راه فتنه و هرج و مرج در جامعه پدیدار گردد. بنابراین، تقیه تاکتیک و روش معقول به‌کار بردن در مبارزه برای حفظ بهتر و بیش‌تر نیروهای مسلمین است (نویسی، ۱۳۹۰، ش، ۴۶).

۲-۵. سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگاران تقیه در حفظ اسرار کشوری

جامعه اسلامی برای بسط و گسترش اصل قدرت خویش، وظیفه دارد اسرار خویش را حفظ کند و در سطح بین‌المللی تقیه کند. ممکن است یک جامعه اسلامی در حوزه تولیدات علمی، صنعتی و نظامی و امکانات مادی به پیشرفت‌هایی نائل شوند باید چنان پیچیده عمل نمایند و از تاکتیک تقیه و استتار استفاده کنند که اطلاعات سری آن‌ها در اختیار دشمنان و قدرت‌های استکباری قرار نگیرد. بنابراین، بر امت اسلامی واجب است اسرار خود را پنهان نمایند. از این‌رو، نقطه آغازین توجه به نقش تقیه در اهداف اطلاعاتی، رازداری در کار اطلاعاتی است (صرامی، ۱۳۹۵، ش، ص ۶۱). بر این اساس، کشف اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی و اداری حکومت اسلامی از مصادیق خیانت است (مظاهری، ۱۳۸۹، ش، ۴۱۰)؛ لذا در تقیه اهداف اطلاعاتی می‌توان به فایده‌انگاری از بین بردن کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی در جامعه، طرد کامل استعمار خارجی از کشور اسلامی، جلوگیری از نفوذ اجانب در شوون مختلف کشور، حفظ استقلال کشور، حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ نظام اسلامی اشاره نمود. این نمونه از تقیه با حفظ اسرار در اهداف توسعه‌انگاران اطلاعاتی با موضوع تقیه خوفی مطابقت دارد.

۳-۵. سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگاران تقیه در عرصه سیاست خارجی کشور

یکی دیگر از ابعاد تقیه، کارآمدی آن در عرصه سیاست خارجی است. در سیاست خارجی تقیه شامل حراست از تمامیت ارضی کشور، منافع دولت اسلامی خارج از مرزها و اهداف و استراتژی‌ها و اخبار محرمانه می‌باشد. قرآن کریم چگونگی ارتباط مؤمنان با کافران را چنین بیان می‌فرماید: مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر کسی که چنین کند، در هیچ چیز از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر این‌که از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت همه به سوی خداست» (آل عمران/۲۸). علاوه بر این، مؤمنان بترسند که اگر با کفار اظهار موافقت نکنند و حسن معاشرت نداشته باشند گرفتار خطر شوند پس در این مورد جایز است برای مؤمنین که به زبان اظهار دوستی کنند و تظاهر به مؤدّت نمایند و از راه تقیه و برای رفع شرشان با آنان

همراهی کنند ولی هرگز دل به دوستی ایشان نبندند و به ولایت ایشان تن در ندهند. بنابراین، تقیه اقتضا می‌نماید به جای از بین بردن دشمنان، به صلح و مدارا روی آورد و برای بقای خود و عقایدش تلاش نماید (دیرباز، ۱۳۹۰ش، ۹۴). درباره چنین ارتباطی باید اظهار داشت که تعامل و توافق با کفار مستکبر و مستضعفی که سرچنگ با مسلمانان ندارند با رعایت اصولی، همچون اصل نفی سبیل، و چند اصل دیگر خصوصاً سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، مجاز است؛ لذا حاکمان اسلامی می‌توانند با مستکبران و مستضعفان غیر حربی، توافق نمایند (مؤمنی، ۱۴۰۰ش، ۲۵۵).

۴-۵. سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگاران تقیه در خصوص تقریب مذاهب اسلامی

قرآن مجید این راهنمای هستی، همواره وحدت کلمه را ستوده و امت اسلامی را از تفرقه و پراکندگی بر حذر داشته است «و اعتصموا بحبل اللیر جمیعاً ولا تفرقوا»، «همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه پرهیزید» (آل عمران/۱۰۳). چه بسا حفظ وحدت و تقریب اسلامی همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده که آیات قرآن کریم و سیره‌ی زندگی رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار نشان از این اهمیت فوق العاده هستند. آنچه در عصر حاضر مهم است تحقق و تحکیم وحدت در سایه ملائمت و خوش‌رفتاری با هم‌کیشان دینی است، خواه تحت عنوان همزیستی و مدارا باشد، خواه تحت عنوان تخصصی‌تر آن یعنی تقیه مداراتی. بنابراین در عصر نوین تقیه مداراتی نقش به‌سزایی در انسجام ملی، وحدت و برادری دارد (رحمانی زروندی، ۱۳۸۶ش، ۳۴). باید پذیرفت که اصل تغییر که یکی از قوانین آفرینش الهی است، در حیطه کلمات نیز رسوخ کرده و تعابیر را دستخوش تغییر قرار داده است؛ اما آنچه ضامن ماهیت کلمه می‌باشد، خاستگاه آن است و چه منشأیی بالاتر از وحی الهی برای تقیه مداراتی. تقیه مداراتی که هدفش حسن معاشرت، مدارا و جلب مودت و در نتیجه تحقق وحدت میان مسلمین می‌باشد برای رسیدن به این هدف والا، از یک‌طرف با شرکت یکپارچه در شعائر الهی و نماز جماعت و سایر مظاهر وحدت و در حقیقت حصول وحدت کلمه میان همه‌ی مسلمانان و عدم پراکندگی آنان، مخصوصاً در برابر کفار و دشمنان تلاش می‌کند و از سوی دیگر سعی بر این دارد که پیروان مذهب حق مورد سرزنش، مذمت و خواری قرار نگیرند و با شرکت در فریضه حج، نماز جماعات و معاشرت نیکو و پسندیده، هرگونه اتهام را از خود رفع نمایند و خود را از صف مسلمین جدا نکرده و دچار مخاطره نگردند. امامان اهل تشیع در راه استحکام بخشیدن به حفظ وحدت مسلمانان تا آنجا پیش رفتند که این نوع تقیه را حتی در اعمال فقهی جاری ساخته و برای نمونه می‌توان به روایاتی که شیعیان را به نماز

خواندن در مساجد اهل سنت فرمان می‌دهند و ثواب فراوانی برای این‌گونه نماز ذکر می‌کنند، اشاره نمود (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ۳۸۱/۵). بر مبنای همین ضرورت، تقیه می‌تواند راهبرد عملی وحدت امت اسلامی قرار گیرد. به‌ویژه در کشورهایی که بیداری اسلامی توانسته است زمینه‌ی بازگشت دوباره‌ی آن‌ها را در جهت حاکمیت اسلام فراهم سازد. چنان‌که مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «مسأله این است که اگر ما برای مشکلات جهان اسلام، به‌دنبال چاره‌ای هستیم یا به تعبیر درست‌تر، اگر برای سربلندی و عظمت و عزت اسلام و قرآن مجاهده می‌کنیم این با اختلاف و درگیری بین مسلمین سازگار نیست» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶). با این بیان روشن می‌شود که مبنای اصلی و حقیقی تقیه در دیدگاه رهبری حفظ وحدت امت اسلامی بر محور دین مبین اسلام است. البته مقصود از تقیه مداراتی از وحدت با دیگر مسلمانان جهان این نیست که ما از اصول دینی و مذهبی خود دست برداریم و از اعتقادات خود دست بکشیم بلکه مقصود ایشان توجه به مشترکات دین است (فاطمی موحد، ۱۳۸۷، ۵۴۰). بر این اساس، اگر بگوییم جایگاه اصلی تقیه مداراتی حج است، گزاف نگفته‌ایم، و پر واضح است که حج مطلوب در سایه ایجاد همدلی بین مسلمین حاصل می‌شود و با وجود اختلاف و افتراق میان مسلمانان اهداف متعالی حج محقق نمی‌گردد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «حج باید آئینه اتحاد باشد، نه آئینه اختلاف» (از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران سازمان حج و زیارت، ۰۱/۰۹/۸۵).

۶. تحلیل ابعاد اخلاقی-حقوقی کاربردپذیری تقیه در روابط بین‌الملل

ابعاد اخلاقی عمل تقیه در حقوق بین‌الملل باید با دقت و توجه به اصول اخلاقی و حقوق بشر مورد بررسی قرار گیرد تا از سوءاستفاده و نقض حقوق انسانی جلوگیری شود که در ذیل به تبیین و تشریح آن خواهیم پرداخت.

۶-۱. احترام به حقوق انسانی

در صورت استفاده از تقیه برای حفظ جان و دین، باید مراعات حقوق انسانی شخص دیگر را در نظر گرفت. این احترام به حقوق انسانی از جمله ابعاد اخلاقی عمل تقیه است که نباید نادیده گرفته شود. در آیات قرآن همیشه بر بعضی از دستورهای کلی و جامع اصول و مبانی کشورها و پیمان‌های بین‌المللی تأکید شده است (رادمنش، ۱۳۷۴ش، ۵۱). یکی از این موارد، دعوت به عدالت و نیکی در حکومت بر مردم و نهی از زشتی‌ها و تجاوز به حقوق انسان‌ها در قالب «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً» (نساء/۵۸).
بر این اساس به نظر می‌رسد که تقیه در راستای احترام به حقوق انسانی است که در روایات و احترام به ادیان دیگر از آن استفاده می‌شود.

۲-۶. صداقت و ریاضت

در صورت استفاده از تقیه، لازم است که شخص مورد استفاده از این عمل صداقت و ریاضت را در همه اعمال خود حفظ کند. عدم صداقت و ریاضت می‌تواند به از دست دادن اعتماد و اعتبار منجر شود؛ بنابراین یکی از پیامدهای عمل تقیه در روابط بین‌الملل می‌تواند از دیدگاه اعتماد و شفافیت‌سازی باشد؛ زیرا وقتی یک فرد یا گروه تصمیم به تقیه می‌گیرند، این ممکن است باعث کاستن اعتماد دیگران به آن‌ها شود و منجر به بروز اختلافات و ناراضی‌ها در روابط بین‌المللی و افزایش تنش‌ها و تضادات بین کشورها یا گروه‌ها شود؛ زیرا وقتی افراد یا سازمان‌ها اعتقادات و باورهای خود را پنهان می‌کنند، این می‌تواند منجر به عدم درک و تفاهم صحیح بین طرفین شود و باعث بروز تضادات و نزاعات بین‌المللی شود. بنابراین، لازم است که استفاده از تقیه با دقت و با رعایت محدودیت‌ها و شرایط مناسب صورت گیرد تا از پیامدهای منفی آن در روابط بین‌المللی جلوگیری شود. نگارنده معتقد است نگرش به مدل مفهومی برخی حقوق‌دانان داخلی و غربی تا حدودی با مفهوم تقیه در فقه امامیه دارای تفاضل مفهومی و عدم همپوشانی معنایی بر اثر خلط مفهومی با مدهانه (سازشکاری) و توریه باشد. فلذا، با عدم احراز ضوابط و معیار جامعیت و مانعیت در مدل ساختاری و مفهومی، عدم وحدت قرائت مفهومی از تقیه، انتزاع تئوری مفهومی آنان مقرون به صواب نیست. بنابراین مدل‌سازی و ارائه چارچوب مفهومی برای تقیه و نحوه تأثیرگذاری آن (صلح‌مداری) و تغییر نگرش بر چگونگی فهم آموزه‌های اسلامی با محوریت تقیه ضروری می‌باشد. علاوه بر این، برخی تحلیل‌گران بین‌الملل با هدف اسلام‌هراسی قصد دارند به‌سادگی همه مسلمانان را دروغگویان اجباری اعلام نمایند. با این عنوان‌ها که تقیه یا «هنر پنهان‌کاری» توسط تروریست‌ها ارزشمند است. البته، این به تنهایی یک مانور مغالطه‌آمیز خواهد بود، بنابراین برای پوشاندن این حرکت با درجه‌ای از اعتبار، اسلام‌هراسان ادعا می‌کنند که دکترینی در اسلام وجود دارد که به مسلمانان می‌آموزد که باید به غیرمسلمانان دروغ بگویند. این آموزه را تقیه می‌نامند. به عبارتی دیگر، دکترین غربگرایان در ارتباط با تقیه، به نوعی گسترش امر غیرواقعی است که اسلام دروغ را می‌پذیرد. وجود یک کلمه عربی تضمینی است که مردم را فریب می‌دهد و باعث سردرگمی مردمان غربی نسبت به

اسلام شود. در صورتی که همان‌طور که بیان گردید، آیات و روایات مؤید فضیلت‌گرایی صلح‌مدار تقیه در روابط بین‌الملل است. بنابراین وقتی نظام اسلامی با تأسیس نهاد تقیه و مشروعیت‌بخشی به آن به دنبال صلح با کشورهای جهان است چگونه تضادات و نزاعات بین‌المللی ایجاد می‌شود. علاوه بر این اسلام تأکید دارد که، مسلمانان باید در انتقال تعالیم اسلام کاملاً صادق و راستگو باشند. قرآن می‌فرماید که: «یکی از بزرگترین بدی‌ها این است که انسان در مورد تعالیم اسلام دروغ بگوید و بر خدا دروغ ببندد» (زمر/۳۲)؛ لذا این نتیجه عکس از نهاد تقیه حاصل کزفهمی و بدفهمی برخی افراد ضد اسلام است. با این حال، آنان اصطلاح تقیه را به همان شیوه برای انکار جریان اصلی مسلمانان به‌کار می‌برند.

۳-۶. مسئولیت‌پذیری

شخصی که از تقیه استفاده می‌کند، باید به مسئولیت‌پذیری خود در برابر عواقب این عمل پرداخته و آثار آن را بررسی کند. این ابعاد اخلاقی نشان‌دهنده مسئولیت شخص در استفاده از تقیه است.

۷. نتیجه‌گیری

امروزه حقوق‌دانان اسلامی موظفند با قواعد فقهی و حقوقی موجود ارتباط شایسته‌ای با نظام بین‌الملل در پرتو حفظ عزت اسلام و مبتنی بر ابعاد اخلاقی و حقوقی بین‌الملل داشته باشند. از این‌رو، یکی از قواعد کاربردی در این حیطة قاعده تقیه می‌باشد که براساس واقع‌گرایی به نظام بین‌الملل و فضای آنارشیک آن به دنبال نوعی توازن صلح‌مدار و دوری از خطر محوری است. در حقوق بین‌الملل، استفاده از تقیه به‌عنوان یک استراتژی برای حفظ منافع و جلوگیری از خطرات قانونی یا سیاسی مطرح است. این عمل ممکن است در روابط بین‌الملل برای جلوگیری از تهدیدات ناشی از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی به‌کار گرفته شود. با این حال، استفاده از تقیه در حقوق بین‌الملل نیازمند تعامل با اصول اخلاقی و حقوقی بین‌المللی از جمله احترام به حقوق انسانی، صداقت و ریاضت، مسئولیت‌پذیری است تا از سوءاستفاده و سوء تفاهم جلوگیری کند. سیاق تحقق‌پذیری فایده‌انگاران تقیه در حفظ حکومت اسلامی، حفظ اسرار کشوری، ارتقای سیاست خارجی و تقریب مذاهب اسلامی مشهود است؛ اما به‌نظر می‌رسد نگرش به مدل مفهومی برخی حقوق‌دانان داخلی و غربی تا حدودی با مفهوم تقیه در فقه امامیه دارای تفاضل مفهومی و عدم همپوشانی معنایی بر اثر خلط مفهومی با مدهانه (سازشکاری) و توریه باشد. لذا، با عدم احراز ضوابط و معیار جامعیت و مانعیت در مدل ساختاری و مفهومی، عدم وحدت قرائت مفهومی

از تقیه، انتزاع تئوری مفهومی آنان مقرون به صواب نیست. علاوه بر این، برخی تحلیل‌گران بین‌الملل با هدف اسلام‌هراسی قصد دارند به سادگی همه مسلمانان را دروغ‌گویان اجباری اعلام نمایند. با این عنوان‌ها که تقیه یا «هنر پنهان‌کاری» توسط تروریست‌ها ارزشمند است. البته، آنان بیان می‌دارند که دکترینی در اسلام وجود دارد که به مسلمانان می‌آموزد که باید به غیر مسلمانان دروغ بگویند. این آموزه را تقیه می‌نامند. به عبارتی دیگر، دکترین غربگرایان در ارتباط با تقیه، به نوعی گسترش امر غیر واقعی است که اسلام دروغ را می‌پذیرد. وجود یک کلمه عربی تضمینی است که مردم را فریب می‌دهد. بنابراین وقتی نظام اسلامی با تأسیس نهاد تقیه و مشروعیت بخشی به آن به دنبال صلح با کشورهای جهان است چگونه تضادات و نزاعات بین‌المللی ایجاد می‌شود؛ لذا این نتیجه عکس از نهاد تقیه حاصل کژفهمی و بدفهمی برخی افراد ضد اسلام است. بنابراین مدل‌سازی و ارائه چارچوب مفهومی برای تقیه و نحوه تأثیرگذاری آن (صلح‌مداری) و تغییر نگرش بر چگونگی فهم آموزه‌های اسلامی با محوریت تقیه ضروری می‌باشد. مضاف بر این، جهت لزوم رعایت مقررات تقیه از باب مقدمه واجب، واجب است تا فقها و مفتیان مسلمان به این موضوع پرداخته و وجوب عقلی آن را اعلام نمایند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (بی تا). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. تهران: نشر ادب الحوزه.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- _____ . (۱۴۱۲). *التقیة*. قم: مؤسسه قائم آل محمد (عج).
- بجنوردی، محمدحسن. (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*. ج ۵. قم: الهادی.
- بخشی، محمد. (۱۳۹۴ش). واکاوی برخی مصادیق توریه در قرآن و روایات. *مجله بلاغ مبین*، شماره ۴۲، صص ۱۵۷-۱۷۸.
- بروجردی، حسین. (۱۳۸۶ش). *منابع فقه شیعه*. تهران: فرهنگ سبز.
- جمعی از مؤلفان، (بی تا)، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- دیرباز، عسکر. (۱۳۹۰ش). سیاست خارجی دولت دینی با تاکید بر مفاهیم تقییه و انتظار. *مجله مشرق موعود*. شماره ۱۷. صص ۸۱-۹۶.
- ذهنی تهرانی، محمد جواد. (۱۳۶۹ش). *تشریح المطالب*. قم: نشر حاذق.
- رادمنش، محمد. (۱۳۷۴ش). *آشنایی با علوم قرآنی*. تهران: جامی.
- رحمانی زروندی، محمد. (۱۳۸۶ش). *تقیه مداراتی و انسجام ملی*. *تشریه فقه و اصول*. شماره ۳. صص ۳۶-۷.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۰ش). *قرآن پژوهی خاورشناسان*. قم: تفسیر و علوم قرآن.
- روحانی، محمد صادق. (۱۴۳۵ق). *فقه الصادق*. قم: آیین دانش.

- سیحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۰۳ق). *الاعتصام بالكتاب و السنة*. قم: المجمع العالمي لاهل البيت (ع).
- سعدی ابو جیب. (۱۴۰۸ق). *القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا*. دمشق: دار الفكر.
- شیرازی، ناصر مکارم. (۱۴۰۰ق). *تفسیر نمونه*. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- _____ . (۱۴۲۸ق). *الشيعة شبهات و ردود*. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- صرامی، سیف الله. (۱۳۹۵ش). نقش تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی. *مجله سیاست متعالیه*. شماره ۱۴. صص ۶۱-۷۶.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۴۲۸ق). *رسائل فی الفقه و الأصول*. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع).
- فاطمی موحد، سید حسن. (۱۳۸۷ش). *سینای فقہات*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *كتاب العين*. قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۲۹۹ش). *القاموس المحيط*. بیروت: مطبعة الجوانب.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (ع).
- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. قم: منشورات دارالرضی.
- قزائنی، محسن. (۱۳۸۳ش). *تفسیر نور*. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۲ش). *شرح الکافی*. تهران: المکتبه الاسلامیة للنشر و التوزیع.
- مازندرانی، علی اکبر سیفی. (۱۴۲۵ق). *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهيّة الأساسیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳ش). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- مظاهری، حسین. (۱۳۸۹ش). *توضیح المسائل*. اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (ع).

- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم: جامعه مدرسین.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷ش). *میانی فقهی حکومت اسلامی*. قم: کیهان.
- مؤمنی، عابدین. (۱۴۰۰ش). *تحلیل ادله‌ی مشروعیت توافق با کفار مستکبر غیر حربی*. نشریه مطالعات تطبیقی مطالعات فقه و اصول مذاهب. دانشگاه کردستان. شماره ۱۲۵۵-۲۷۷.
- نژادهاشمی، سیدمهدی. (۱۳۹۸ش). *جایگاه توریه در عقود با رویکردی به تجمیع لفظ با معنا در مذاهب*. شماره ۲. صص ۲۸-۵۲.
- نوابی، علی اکبر. (۱۳۹۰ش). *جایگاه تقیه در فلسفه سیاسی اسلام*. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. شماره ۸۷ و ۸۸. ۲۳-۵۶.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲ش). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).